

- جهان نو -

لوئی فردینان سلین معرکه

ترجمه‌ی سمیه نوروزی



ترجمه

لوئی - فردینان دتوش در ۲۷ ماه می سال ۱۸۹۴ در کوربه‌وو، حومه‌ی پاریس، به دنیا آمد. پدرش، فرنان دتوش، اهل بندر آؤر، کارمند بیمه بود و مادرش، مارگریت گیو، مغازه‌دار. پدر بزرگش، آگوست دتوش، در دبیرستانی در آور دبیر رسمی بود.

کودکی او در پاریس سپری شد، در گذر شوازول. در مدارس محلی میدان لووآ و خیابان ارژانتوی، و همچنین مدرسه‌ی سن - ژوزف توئیبری درس خواند. پس از اخذ مدرک تحصیلی ابتدایی، مدتی را در آلمان و انگلستان سپری کرد؛ البته قبل از آن که در پاریس و سپس به کارآموزی در جواهرفروشی‌ها مشغول شود. در سال ۱۹۱۲ در دوازدهمین قشون سواره‌نظام ثبت‌نام کرده و به پادگانی در رامبوئی^۱ اعزام شد. در سال ۱۹۱۴ در جاده‌ی فلاندر مجروح شد؛ این جراحت برایش یک مدال نظامی و معلولیت ۷۰ درصدی به ارمغان آورد.

در سال ۱۹۱۶ و پس از مدتی اقامت در لندن، به کامرون، مستعمره‌ی قدیمی آلمان رفته و در یک شرکت تجاری مشغول به کار شد.

اندکی بعد به مالاریا مبتلا شد، در سال ۱۹۱۷ به پاریس بازگشت، مدرک دیپلم متوسطه‌اش را در سال ۱۹۱۹ گرفت، پس از آن به تحصیل در رشته‌ی پزشکی در برن

۱. حکومت‌نشین صنعتی و توریستی در ناحیه‌ی ایولین در جنوب جنگل رامبوئی به مساحتی در حدود ۱۳۰۰۰ هکتار.

در سال ۱۹۴۰ با آمبولانسی پر از مجروح، از آن ناحیه هم خارج شده، در پاریس مستقر گشته و در درمانگاه بزون (در همان نواحی سن - ژرمن - آن - لئی) به درمان بیماران پرداخت. در سال ۱۹۴۱/وضع وخیم را منتشر کرد. با سقوط دولت فرانسه، در بیان دیدگاه‌هایش آزادی یافت و رسماً یکی از ضدیهودها شد و به همین علت با گشتاپو همکاری کرد. در این زمان، همگام با یهودستیزی رسمی نیروهای آلمانی و فارغ از منتقدان خود در جناح چپ، زندگی راحتی را در این چهار سال گذراند، آپارتمانی در مونمارتر به او دادند و سرپرست کلینیک پزشکی شد. در سال ۱۹۴۴ نیز گروه آدمک‌ها را منتشر کرد.

در پایان سال ۱۹۴۴ و با شکست آلمان‌ها همه چیز تغییر کرد. پاریس آزاد شد و رادیو بی‌بی‌سی او را خائن اعلام کرد. دیگر نمی‌توانست در پاریس بماند. با همسرش، گریه‌ی دوست‌داشتنی‌اش، بیر، و مقداری پول، به کپنهاگ پناه برد. در دانمارک هم نتوانست از دست مخالفانش جان سالم در ببرد. گروهی از طرف دولت فرانسه، حتی پیش از ورود سلین، برای دستگیری او به کپنهاگ رسیده بودند. سلین، از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۵۱، به‌عنوان یک تبعیدی، در آلمان و دانمارک زندگی کرده و در همان‌جا به زندان افتاد. در همین سال‌ها سحر و خیال‌زمانی دیگر و معرکه را نوشت. بالاخره در سال ۱۹۵۱ به دلیل حضور دلاورانه در جنگ جهانی اول مورد عفو قرار گرفته و فرصت یافت تا تبعیدگاه خود، دانمارک را ترک کند و به فرانسه بازگردد. سال‌های زندان و تبعید، فرسودگی و بیماری را برایش به ارمغان آورد و او را به انزوا کشاند. سرانجام در جایی به‌نام مودون در مناطق بالای رود سن مقیم شد و مابقی آثارش را نوشت (از این قصر به آن قصر، شمال، ریگودون). او در اولین روز ماه ژوئیه‌ی سال ۱۹۶۱ درگذشت و در گورستان مودون آرام گرفت.

گریه، بدان که من هستم! عصر، عصر جاه‌طلبی‌ست!...

من بزرگ‌ترین نویسنده‌ی روی زمینم! این طور نیست؟

سلین

و پاریس مشغول شد و در سال ۱۹۲۴ از پایان‌نامه‌اش دفاع کرد. از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷، در سازمان ملل کار کرد که از این طریق به ایالات متحده و غرب آفریقا رفت. از سال ۱۹۲۷، در درمانگاهی در کلیشی^۱ به طبابت مشغول شد. در سال ۱۹۳۲، سفر به انتهای شب را با نام مستعار سلین (سومین جزء نام کوچک مادرش) منتشر و جایزه‌ی تنوفراست - ژنودو^۲ را دریافت کرد.

در سال ۱۹۳۶ دومین رمانش، مرگ قسطی به چاپ رسید. با پولی که از فروش این رمان به زبان روسی نصیبش شد، به اتحاد جماهیر شوروی سفر کرد. در همین سفر بود که نگاهش تغییر یافت و هجونامه‌ی ضد کمونیستی من مقصوم را نوشت. پس از آن در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ مواضع ضدیهود او رنگ جدی‌تری به خود گرفته و موجب انتشار هجونامه‌های هیچ و پوچ برای یک قتل و مدرسه‌ی اجساد شد. این کتاب موجب شد تا طرفداران فاشیسم به‌صورت رسمی از او حمایت کنند. اقامت او در سن - ژرمن - آن - لئی^۳ با آغاز جنگ هم‌زمان شده و او به‌عنوان پزشک در کشتی سیلا که بین کازابلانکا و ماریسی در رفت و آمد بود، شروع به کار کرد. سیلا با یک کشتی گشت انگلیسی برخورد کرد که در منطقه‌ی ژیرالتار^۴ مشغول گشت‌زنی بود. این‌گونه شد که سلین دوباره به پاریس بازگشت و جایگزین پزشک سارترووی (ناحیه‌ای در سن - ژرمن - آن - لئی) شد که عازم جنگ بود.

۱. حکومت‌نشین بخش بالایی رود سن که مرکزی صنعتی است و کشتارگاه‌های متعدد دارد.
۲. تنوفراست - ژنودو (لودون، ۱۵۸۶ - پاریس، ۱۶۵۳) پزشک و روزنامه‌نگار فرانسوی. او در سال ۱۶۳۱ 'لا گارت'، اولین هفته‌نامه‌ی فرانسوی‌زبان را پایه‌گذاری کرد. در سال ۱۶۳۵ نیز مدیریت نشریه‌ی 'لو مرکور فرانسه' را به‌عهده گرفت. جایزه‌ی ژنودو از سال ۱۹۲۶ تأسیس شده و در پاییز هر سال به بهترین اثر سال (عموماً به بهترین رمان) تعلق می‌گیرد.
۳. حکومت‌نشین در ناحیه‌ی ایولین با مساحت ۳۵۰۰ هکتار و دشتی در جنوب جنگل دمانیال که کاملاً مشرف است به رود سن.
۴. بخشی از سرزمین بریتانیا در جنوبی‌ترین نقطه‌ی اسپانیا که بندر جنگی بسیار مهمی است و پرتگاهی دارد به‌نام جبل الطارق با ارتفاع ۴۲۳ متر؛ این بخش در سال ۱۷۰۴ توسط انگلیس فتح شد.